

# حقوق جوانان در جمهوری اسلامی ایران

دکتر علی غلامی  
امیرحسین اصل زعیم



## فهرست مطالب

سخن‌نشر.....	۱۷
مقدمه.....	۱۹
<b>بخش مقدماتی: مبانی حقوق جوانان و نهادهای دخیل در تحقق آن</b> .....	۲۵
۱. مفهوم‌شناسی و تقسیمات دوره جوانی.....	۲۵
۱-۱. تعاریف مختلف از دوره جوانی.....	۲۷
۱-۱-۱. واژه‌شناسی.....	۲۷
۱-۱-۲. اهمیت دوران جوانی در لسان معصومین (علیهم‌السلام).....	۲۸
۱-۱-۳. مفهوم جوانی از منظر نظریه‌پردازان سستی و معاصر.....	۲۹
۱-۱-۳. دیدگاه‌های دینی در تبیین مفهوم جوان.....	۳۱
۱-۱-۳-۱. محوریت سن.....	۳۱
۱-۱-۳-۲. محوریت شاخص‌ها و معیارها.....	۳۲
۱-۱-۴. تعاریف دوران جوانی از منظر سازمان‌های داخلی و بین‌المللی.....	۳۳
۱-۱-۴-۱. سازمان‌های داخلی.....	۳۳
۱-۱-۴-۲. سازمان‌های بین‌المللی.....	۳۴
۱-۲. برخی ویژگی‌های دوران جوانی.....	۳۴
۱-۲-۱. پرخاشگری و آشوب درونی.....	۳۵
۱-۲-۲. امید و آرزو.....	۳۵
۱-۲-۳. علاقه به حضور در جمع هم‌سالان.....	۳۶
۱-۲-۴. اثبات هویت خویش.....	۳۶
۱-۲-۵. رشد و نمو جسمانی.....	۳۷

- ۳۷..... ۱-۲-۶. تجربه و دانش اندک.
- ۳۸..... ۱-۲-۷. باریک‌بینی و تیزفهمی.
- ۳۸..... ۱-۲-۸. رقت قلب و نرم‌دلی.
- ۳۹..... ۱-۲-۹. گرایش به دین و معنویت.
- ۴۰..... ۱-۳. تقسیم‌بندی‌های مراحل زندگی.
- ۴۰..... ۱-۳-۱. تقسیم‌بندی دوران زندگی بر اساس قوای تمیز افراد.
- ۴۰..... ۱-۳-۱-۱. دوران طفولیت و عدم تمیز مطلق.
- ۴۱..... ۱-۳-۱-۲. دوران کودکی و تمیز نسبی.
- ۴۱..... ۱-۳-۱-۳. دوران بلوغ و سن کبر قانونی.
- ۴۱..... ۱-۳-۲. تقسیم‌بندی دوران زندگی بر اساس رشد جسمی و روحی.
- ۴۱..... ۱-۳-۲-۱. دوران طفولیت.
- ۴۲..... ۱-۳-۲-۲. دوره نوجوانی و شروع بلوغ.
- ۴۲..... ۱-۳-۲-۳. دوره جوانی.
- ۴۲..... ۱-۳-۳. تقسیم‌بندی مراحل زندگی از منظر قرآن کریم و روایات.
- ۴۳..... ۱-۳-۳-۱. آیات قرآن.
- ۴۴..... ۱-۳-۳-۲. روایات.
- ۴۴..... ۲. مبانی حقوق جوانان.
- ۴۴..... ۲-۱. مبانی حقوق جوانان در اسناد بین‌المللی.
- ۴۶..... ۲-۱-۱. انسان‌محوری.
- ۴۷..... ۲-۱-۲. حقوق طبیعی.
- ۴۸..... ۲-۱-۳. خردگرایی.
- ۴۹..... ۲-۱-۴. قراردادگرایی.
- ۵۰..... ۲-۲. مبانی حقوق جوانان در نگاه اسلامی.
- ۵۲..... ۲-۲-۱. خدامحوری.
- ۵۴..... ۲-۲-۲. حقوق فطری.
- ۵۵..... ۲-۲-۳. عقل.
- ۵۶..... ۲-۲-۴. کرامت انسانی.
- ۵۷..... ۲-۳. بررسی و نقد تفاوت در مبانی حقوق جوانان در دیدگاه اسلام و غرب.
- ۵۸..... ۲-۳-۱. تفاوت در منشأ حقوق.
- ۵۸..... ۲-۳-۲. تفاوت در اهداف حقوق.

فهرست مطالب □ ۷

۵۹.....	۲-۳-۳. تفاوت در نگرش به حقوق و تکالیف
۶۰.....	۲-۳-۴. تفاوت در نگرش به هستی
۶۰.....	۲-۳-۵. تفاوت در نگرش به انسان
۶۳.....	۳. بسترهای رابطه جوان در اسلام
۶۴.....	۳-۱. رابطه انسان با خدا
۶۵.....	۳-۲. رابطه انسان با سایر انسان‌ها
۶۷.....	۳-۳. رابطه انسان با طبیعت و محیط زندگی
۶۷.....	۳-۴. رابطه انسان با خود
۶۸.....	۴. برخی قوانین مرتبط با حقوق جوانان در جمهوری اسلامی ایران
۶۹.....	۴-۱. منشور ملی حقوق جوانان
۷۱.....	۴-۱-۱. جوانان و حق آموزش
۷۲.....	۴-۱-۲. بهداشت جوانان
۷۳.....	۴-۱-۳. اشتغال جوانان
۷۴.....	۴-۱-۴. حقوق ورزشی جوانان
۷۵.....	۴-۱-۵. اوقات فراغت جوانان
۷۵.....	۴-۱-۶. هویت و تبادل بین فرهنگی در حوزه جوانان
۷۶.....	۴-۱-۷. تأمین مسکن برای جوانان
۷۶.....	۴-۱-۸. خدمت نظام وظیفه و دفاع ملی
۷۸.....	۴-۱-۹. دادرسی جوانان
۷۸.....	۴-۱-۱۰. بزهکاری جوانان
۷۹.....	۴-۱-۱۱. جوانان و ازدواج
۸۱.....	۴-۱-۱۲. نظام جامع حقوق جوانان
۸۱.....	۴-۲. آیین‌نامه اجرایی ماده (۴۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران
۸۳.....	۴-۳. مصوبه شورای عالی جوانان در خصوص اعلام سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب اوقات فراغت جوانان به سازمان ملی جوانان
۸۴.....	۴-۴. آیین‌نامه اجرایی برنامه جامع ساماندهی اوقات فراغت جوانان
۸۷.....	۴-۵. اتخاذ تصمیماتی به منظور اجرای برنامه جامع ازدواج جوانان مصوب ۱۳۸۷/۰۸/۲۴
۸۸.....	۴-۶. اتخاذ تصمیماتی در خصوص ازدواج جوانان و پرداخت هدایایی به زوج‌های دانشجو مصوب ۱۳۸۷/۰۹/۱۰
۸۸.....	۴-۷. اتخاذ تصمیماتی در خصوص برنامه‌های اوقات فراغت جوانان مصوب ۱۳۸۷/۰۴/۱۰

- ۸۹..... قانون تسهیل ازدواج جوانان مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۷.....
- ۴-۹. تعیین راهبردها و راهکارها و چگونگی تحقق اجرای سیاست یکپارچه و هماهنگ برنامه ساماندهی امور جوانان مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی..... ۹۱.....
- ۴-۱۰. اساسنامه شورای عالی جوانان مورخ ۷۱/۵/۶ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی..... ۹۳.....
- بخش اول: حقوق مدنی و سیاسی جوانان..... ۹۹.....**
- فصل اول: تعاریف و اصول مرتبط با حقوق مدنی و سیاسی جوانان..... ۱۰۱.....**
۱. تعاریف مرتبط با حقوق مدنی و سیاسی جوانان..... ۱۰۲.....
- ۱-۱. مشارکت سیاسی..... ۱۰۲.....
- ۱-۲. مشارکت اقتصادی..... ۱۰۷.....
- ۱-۳. مشارکت اجتماعی..... ۱۰۷.....
- ۱-۴. مشارکت مدنی و شهروندی..... ۱۰۷.....
۲. عوامل مؤثر در شناخت و گسترش حقوق مدنی و سیاسی جوانان..... ۱۰۹.....
۳. نظریات ناظر به مدل مشارکت سیاسی و عوامل تضعیف آن..... ۱۱۰.....
- ۳-۱. تبیین الگوی مشارکت سیاسی..... ۱۱۱.....
- ۳-۲. علل عدم مشارکت یا مشارکت غیرمتعارف جوانان..... ۱۱۳.....
۴. شرایط لازم برای مشارکت جوانان..... ۱۱۴.....
- ۴-۱. معیار نظری..... ۱۱۴.....
- ۴-۲. معیار عملی..... ۱۱۶.....
- ۴-۲-۱. احزاب و تشکل‌ها..... ۱۱۷.....
- ۴-۲-۲. نشریات و مطبوعات..... ۱۱۷.....
- ۴-۲-۳. انتخابات..... ۱۱۸.....
۵. حق رأی جوانان؛ مصداق اعلامی مشارکت..... ۱۱۸.....
- ۵-۱. تابعیت..... ۱۱۹.....
- ۵-۲. شرط سن..... ۱۲۰.....
- ۵-۳. شرط عقل..... ۱۲۰.....
- ۵-۴. اهلیت اخلاقی یا اهلیت به لحاظ داشتن شایستگی..... ۱۲۱.....
۶. رویه سایر نظام‌های حقوقی در تحقق حقوق مدنی و سیاسی جوانان..... ۱۲۱.....
- الف- ضرورت مشارکت نوجوانان در امور مرتبط با ایشان..... ۱۲۲.....
- ب- برابری در مشارکت برای تمامی شهروندان..... ۱۲۲.....
- ج- عدم تطابق کامل شاخص سنی و رشد در نوجوانان در جوامع مختلف..... ۱۲۲.....

د- درک بالاتر نوجوانان امروزی در مسائل سیاسی و اجتماعی.....	۱۲۳
ه- تعلیم مشارکت سیاسی به نوجوانان.....	۱۲۳
و- حق انتخاب به‌عنوان یکی از حقوق شهروندی نوجوانان.....	۱۲۳
<b>فصل دوم: تبلور حقوق مدنی و سیاسی جوانان.....</b>	<b>۱۲۵</b>
۱. شناسایی حقوق مدنی و سیاسی جوانان در قانون اساسی.....	۱۲۷
۱-۱. وضعیت و تحولات ناظر به حقوق مدنی و سیاسی جوانان در جمهوری اسلامی ایران.....	۱۳۱
۱-۱-۱. وضعیت جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق مدنی و سیاسی جوانان.....	۱۳۱
۱-۱-۲. تحولات ساختاری در ایران و وضعیت مشارکت سیاسی جوانان.....	۱۳۳
۱-۱-۳. آسیب‌شناسی تشکل‌های جوانان در ایران.....	۱۳۶
۱-۲. اظهارنظر جوانان در سرنوشت سیاسی و قابلیت استناد قانون اساسی.....	۱۳۷
۱-۲-۱. چگونگی اظهارنظر در سرنوشت سیاسی توسط جوانان و مصادیق آن در قانون اساسی..	۱۳۸
۱-۲-۲. علت قابلیت استناد قانون اساسی برای نسل‌های بعد.....	۱۴۱
۱-۳. تضمینات اجتماعی حقوق جوانان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۴۲
۱-۳-۱. محوریت تساوی عادلانه.....	۱۴۴
۱-۳-۲. توجه خاص به حقوق زنان و دختران.....	۱۴۵
۱-۳-۳. توجه به موضوع جوانان و آزادی.....	۱۴۶
۱-۳-۳-۱. جوان و آزادی بیان.....	۱۴۹
۱-۳-۳-۲. جوان و آزادی عقیده.....	۱۵۱
۱-۳-۳-۳. جوان و آزادی قلم.....	۱۵۵
۱-۴. تضمینات قضائی.....	۱۵۶
۱-۴-۱. محدودیت در بازداشت افراد.....	۱۵۷
۱-۴-۲. اصالت برائت و عدم مجرمیت افراد.....	۱۵۷
۱-۴-۳. ممنوعیت توسل به زور و شکنجه.....	۱۵۷
۱-۴-۴. امکان تظلم‌خواهی از مراجع صالح برای همگان.....	۱۵۸
۱-۴-۵. ضرورت انجام محاکمه و مجازات از مجرای مراجع قانونی.....	۱۵۸
۱-۴-۶. شفافیت و علنی بودن دادرسی.....	۱۵۹
۱-۵. تضمینات اعتقادی و اخلاقی.....	۱۶۰
۱-۵-۱. مصادیق ناامنی اخلاقی در جامعه اسلامی.....	۱۶۰
۱-۵-۱-۱. ناهنجاری ظاهر و پوشش.....	۱۶۰
۱-۵-۱-۲. هرزه‌گرایی و واگرایی جنسی.....	۱۶۱

- ۱۶۱ ..... ۱-۵-۱-۳. مدگرایی غربی و افراطی
- ۱۶۳ ..... ۱-۵-۲. راهکارهای برخورد با ناامنی اخلاقی
- ۱۶۴ ..... ۱-۵-۲-۱. فعالیت علمی
- ۱۶۴ ..... ۱-۵-۲-۲. فعالیت فرهنگی
- ۱۶۶ ..... ۱-۵-۲-۳. فعالیت قانونی
- ۱۶۹ ..... ۱-۵-۲-۴. فعالیت اطلاعاتی
- ۱۷۰ ..... ۱-۵-۲-۵. فعالیت قهری
- ۱۷۱ ..... ۲. جوانان در نظام حقوق بین‌المللی
- ۱۷۱ ..... ۲-۱. تاریخچه فعالیت‌های بین‌المللی در حوزه جوانان
- ۱۷۳ ..... ۲-۲. اسناد مرتبط با جوانان در سازمان‌های بین‌المللی
- ۱۷۳ ..... ۲-۲-۱. جوانان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد
- ۱۷۳ ..... ۲-۲-۲. جوانان در شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد
- ۱۷۵ ..... ۲-۲-۳. جوانان در نظام یونسکو
- ۱۷۹ ..... ۲-۲-۴. جوانان در نظام صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA)
- ۱۸۱ ..... ۲-۲-۵. جوانان در سازمان بین‌المللی کار
- ۱۸۳ ..... ۲-۲-۶. جوانان در نظام سازمان جهانی بهداشت
- ۱۸۷ ..... ۲-۳. شناسایی حقوق مدنی و سیاسی جوانان در عرصه بین‌المللی
- ۱۹۵ ..... **بخش دوم: حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوانان**
- ۱۹۷ ..... فصل اول: احکام و نهادهای ناظر به حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوانان
- ۱۹۹ ..... ۱. احکام اختصاصی جوانان در منابع اسلامی
- ۱۹۹ ..... ۱-۱. احکام مختص جوانان در حوزه حقوق فردی
- ۱۹۹ ..... ۱-۱-۱. احکام ناظر به نکاح
- ۱۹۹ ..... ۱-۱-۱-۱. حکم نگاه به زن نامحرم به منظور نکاح
- ۲۰۰ ..... ۱-۱-۱-۲. ارتباط ازدواج جوان با ولایت پدر و جد پدری
- ۲۰۱ ..... ۱-۱-۲. حجر و نسبت آن با حقوق جوانان
- ۲۰۲ ..... ۱-۲. احکام جوانان در فقه جزایی
- ۲۰۲ ..... ۱-۲-۱. باب حدود
- ۲۰۳ ..... ۱-۲-۱-۱. سیر تطور عقوبت زنا
- ۲۰۳ ..... ۱-۲-۱-۲. مجازات زناي جوان محصن
- ۲۰۴ ..... ۱-۲-۲. مجازات خودارضایی



۲۰۵	..... احکام ویژه جوانان در اسناد قانونی
۲۰۵	..... ۲-۱. جوانان، سرگرمی و تفریح
۲۰۶	..... ۲-۱-۱. ارتقاء جامعه در تمهید فضای تفریح
۲۰۶	..... ۲-۱-۲. بسترسازی فرهنگی در اهتمام به تفریح
۲۰۷	..... ۲-۱-۳. همکاری گروه‌های تأثیرگذار در ایجاد فعالیت‌های تفریحی
۲۰۷	..... ۲-۲. جوانان و سلامت
۲۰۸	..... ۲-۲-۱. ایجاد الگوهای رفتاری بهداشتی مفید برای جوانان
۲۰۹	..... ۲-۲-۲. افزایش آگاهی و توسعه خدمات بهداشتی
۲۰۹	..... ۲-۲-۳. توسعه و پشتیبانی خدمات سلامت جنسی جوان و آموزش تنظیم خانواده
۲۱۱	..... ۲-۳. جوانان و تعلیم و تربیت
۲۱۱	..... ۲-۳-۱. تعمیق ارتباط نظامات آموزشی با نهادهای اجتماعی و اقتصادی ملی
۲۱۲	..... ۲-۳-۲. بهبود کیفیت آموزش و گسترش ارتباط مستمر آموزش و تربیت
۲۱۵	..... ۲-۳-۳. توجه جدی و تقویت نهادهای خاص
۲۱۵	..... ۲-۳-۳-۱. سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان
۲۱۶	..... ۲-۳-۳-۲. بنیاد ملی نخبگان
۲۱۷	..... ۲-۴. جوانان و اشتغال
۲۲۰	..... ۲-۴-۱. تربیت جوانان متناسب با نیازهای شغلی جامعه
۲۲۱	..... ۲-۴-۲. ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای جوانان
۲۲۱	..... ۲-۴-۳. فراهم نمودن «کار شایسته» برای جوانان
۲۲۱	..... ۲-۵. جوانان و ازدواج
۲۲۲	..... ۲-۵-۱. ضرورت ازدواج جوانان و تشکیل خانواده
۲۲۸	..... ۲-۵-۲. نگرشی بر مبنای دینی تشکیل خانواده توسط جوانان
۲۳۱	..... ۲-۵-۳. نقش و تکالیف دولت اسلامی در تسهیل شکل‌دهی و تداوم خانواده برای جوانان
۲۳۲	..... ۲-۵-۴. دیدگاه‌های حقوق‌دانان در باب تشکیل نهاد خانواده توسط جوانان
۲۳۵	..... ۲-۵-۵. نگاهی تحلیلی در قوانین داخلی ناظر بر ازدواج جوانان و تشکیل نهاد خانواده
۲۴۰	..... ۲-۵-۶. نگاهی بر برخی اسناد بین‌المللی در باب ازدواج جوانان و حمایت از نهاد خانواده
۲۴۳	..... ۳. نهادهای مرتبط با حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوانان
۲۴۳	..... ۳-۱. سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOS) یا سازمان‌های غیردولتی
۲۴۵	..... ۳-۱-۱. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در پیشگیری از پدیده مجرمانه
۲۴۶	..... ۳-۱-۲. کارکرد آموزشی نهادهای مردم‌نهاد جوانان

۲۴۷	۳-۱-۳. نقش حمایتی سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان
۲۴۹	۳-۱-۴. کارکرد نظارتی سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان
۲۵۰	۳-۲. سازمان بهزیستی
۲۵۱	۳-۲-۱. پیشگیری نوع اول از بزهکاری جوانان
۲۵۱	۳-۲-۱-۱. اطلاع‌رسانی در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و خطرات ناشی از آن
۲۵۱	۳-۲-۱-۲. آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی و ارائه خدمات از طریق همیاران سلامت روانی - اجتماعی
۲۵۲	۳-۲-۱-۳. آموزش پیش از ازدواج و آموزش برای زندگی مشترک
۲۵۴	۳-۲-۱-۴. پیشگیری از اعتیاد جوانان با رویکرد اجتماع‌محور
۲۵۴	۳-۲-۲. پیشگیری نوع دوم از بزهکاری جوانان
۲۵۵	۳-۲-۲-۱. اجرای طرح خانه سلامت و خانه زنان
۲۵۶	۳-۲-۲-۲. طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان
۲۵۷	۳-۲-۲-۳. مداخله در خانواده به منظور پیشگیری از طلاق جوانان
۲۵۸	۳-۲-۲-۴. ایجاد مراکز درمانی به منظور پیشگیری از اعتیاد جوانان
۲۵۹	۳-۲-۳. پیشگیری نوع سوم از بزهکاری جوانان
۲۵۹	۳-۲-۳-۱. حمایت پس از ترخیص نوجوانان و جوانان بزهکار برای توانمندسازی
۲۵۹	۳-۲-۳-۲. حمایت از زنان و دختران آسیب‌دیده از طریق مراکز بازپروری
۲۶۰	۳-۲-۳-۳. حمایت جهت درمان اعتیاد از طریق مراکز مربوطه
۲۶۱	<b>فصل دوم: حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوانان</b>
۲۶۱	۱. حقوق فرهنگی جوانان
۲۶۲	۱-۱. آموزش و تکامل
۲۶۳	۱-۱-۱. حقوق طبیعی از منظر اسلام
۲۶۳	۱-۱-۲. آموزش و تکامل معنوی جوانان
۲۶۴	۱-۲. امنیت فرهنگی و دینی
۲۶۷	۱-۲-۱. جوانان و ابعاد مسئله حجاب
۲۶۹	۱-۲-۲. رابطه متقابل شهروندان و حکومت اسلامی در حق و تکلیف حجاب جوانان
۲۷۲	۱-۲-۳. حق شهروندان در انتخاب پوشش در کنار پایبندی به ضوابط قانونی و شرعی
۲۷۳	۲. حقوق اقتصادی جوانان
۲۷۴	۲-۱. حق اشتغال
۲۷۶	۲-۱-۱. وجوه مختلف اشتغال جوانان

فهرست مطالب □ ۱۳

۲۷۶	..... جوانان و بیکاری..... ۲-۱-۱-۱
۲۷۷	..... تأثیر اشتغال بر آینده جوان ..... ۲-۱-۱-۲
۲۷۷	..... اشتغال و نیروی جوانی ..... ۲-۱-۱-۳
۲۷۸	..... فقدان تجربه شغلی ..... ۲-۱-۱-۴
۲۷۸	..... فقدان ارتباط نظام آموزشی با نیازهای بازار کار ..... ۲-۱-۱-۵
۲۷۸	..... اشتغال نامناسب ..... ۲-۱-۱-۶
۲۷۹	..... مهاجرت برای اشتغال ..... ۲-۱-۱-۷
۲۸۰	..... راهکارهای افزایش رضایت شغلی جوانان ..... ۲-۱-۲
۲۸۰	..... عوامل ساختاری ..... ۲-۱-۲-۱
۲۸۰	..... عوامل مادی و مرتبط با محیط ..... ۲-۱-۲-۲
۲۸۰	..... وجود سنخیت میان شغل و شاغل ..... ۲-۱-۲-۳
۲۸۱	..... عوامل فردی ..... ۲-۱-۲-۴
۲۸۳	..... اصول حقوقی استخدام ..... ۲-۱-۳
۲۸۳	..... اصل حاکمیت قانون ..... ۲-۱-۳-۱
۲۸۴	..... اصل برابری فرصت‌ها ..... ۲-۱-۳-۲
۲۸۴	..... نظام شایستگی ..... ۲-۱-۳-۳
۲۸۵	..... منع تبعیض ..... ۲-۱-۳-۴
۲۸۶	..... نظارت قضائی ..... ۲-۱-۳-۵
۲۸۷	..... راهکارهای پیشنهادی ..... ۲-۱-۴
۲۸۷	..... ارائه تسهیلات به کارفرمایانی که جوانان را به کار می‌گیرند ..... ۲-۱-۴-۱
۲۸۸	..... تغییر نوع نگاه به دوره سربازی ..... ۲-۱-۴-۲
۲۹۲	..... اختصاص فصلی از قانون کار به جوانان ..... ۲-۱-۴-۳
۲۹۳	..... حق مسکن ..... ۲-۲
۲۹۳	..... حق مسکن در اسناد ملی و بین‌المللی ..... ۲-۲-۱
۲۹۳	..... حق مسکن اسناد بین‌المللی ..... ۲-۲-۱-۱
۲۹۴	..... حق مسکن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ..... ۲-۲-۱-۲
۲۹۵	..... ویژگی‌های مسکن مناسب ..... ۲-۲-۲
۲۹۶	..... امنیت قانونی اجاره ..... ۲-۲-۲-۱
۲۹۶	..... دسترسی به خدمات، کالاها و امکانات مناسب ..... ۲-۲-۲-۲
۲۹۶	..... توانایی مالی ..... ۲-۲-۲-۳

- ۲۹۷..... ۲-۲-۲-۴. قابلیت سکونت
- ۲۹۷..... ۲-۲-۲-۵. قابلیت دسترسی
- ۲۹۷..... ۲-۲-۲-۶. جایگاه قرارگیری
- ۲۹۷..... ۲-۲-۲-۷. تناسب فرهنگی
- ۲۹۸..... ۲-۲-۳. مصادیق حق مسکن ناظر به جوانان
- ۲۹۸..... ۲-۲-۳-۱. جوانان و خوابگاه‌های دانشجویی
- ۲۹۸..... ۲-۲-۳-۱. جوانان و مسکن پس از ازدواج
- ۲۹۹..... ۳. حقوق اجتماعی جوانان
- ۲۹۹..... ۳-۱. جوانان و رفاه و تأمین اجتماعی
- ۳۰۰..... ۳-۱-۱. مفهوم رفاه و تأمین اجتماعی
- ۳۰۱..... ۳-۱-۲. وضعیت نظام تأمین اجتماعی در ایران
- ۳۰۱..... ۳-۱-۲-۱. نظام بیمه‌ای
- ۳۰۲..... ۳-۱-۲-۲. نظام حمایتی
- ۳۰۲..... ۳-۱-۲-۳. نظام امدادی
- ۳۰۳..... ۳-۱-۳. تأمین اجتماعی جوانان در ایران
- ۳۰۳..... ۳-۲. جامعه‌پذیری جوانان و ملزومات آن
- ۳۰۴..... ۳-۲-۱. جامعه‌پذیری سیاسی و نهادهای دخیل در تحقق آن
- ۳۰۴..... ۳-۲-۱-۱. مفهوم‌شناسی جامعه‌پذیری سیاسی
- ۳۰۶..... ۳-۲-۱-۲. جامعه‌پذیری سیاسی و تربیت مدنی
- ۳۰۶..... ۳-۲-۱-۳. مخاطبان جامعه‌پذیری سیاسی
- ۳۰۷..... ۳-۲-۱-۴. نهادهای مسئول در جامعه‌پذیری سیاسی در ایران
- ۳۰۸..... ۳-۲-۲. اهمیت جامعه‌پذیری در دوران سربازی
- ۳۰۹..... ۳-۲-۲-۱. شرافت سربازی
- ۳۱۱..... ۳-۲-۲-۲. عزت نفس
- ۳۱۲..... ۳-۲-۲-۳. احترام
- ۳۱۳..... ۳-۲-۲-۴. اطاعت‌پذیری
- ۳۱۳..... ۳-۲-۲-۵. هویت
- ۳۱۴..... ۳-۲-۳. عدالت‌طلبی جوانان و نافرمانی مدنی
- ۳۱۵..... ۳-۲-۳-۱. مفهوم نافرمانی مدنی
- ۳۱۷..... ۳-۲-۳-۲. نافرمانی مدنی به مثابه یک حق

فهرست مطالب □ ۱۵

۳۱۹	..... ۳-۲-۳-۳. تحلیل و نقد نافرمانی مدنی به مثابه یک حق
۳۲۲	..... ۳-۲-۴. بحران‌های اجتماعی مانعی در راه جامعه‌پذیری
۳۲۲	..... ۳-۲-۴-۱. بحران اعتماد
۳۲۵	..... ۳-۲-۴-۲. بحران مشروعیت
۳۲۶	..... ۳-۲-۴-۳. بحران مداخله
۳۲۹	..... ۳-۲-۴-۴. بحران تصمیم‌گیری
۳۳۰	..... جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۳۷	..... <b>فهرست منابع</b>
۳۵۵	..... <b>نمایه</b>



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

## سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد. از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** باتوجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه



## مقدمه

زمانی که موضوع حقوق به معنای اعم و حقوق جوانان به معنای اخص مطرح می‌شود، اولین و شاید مهم‌ترین سؤال این است که حقوق مورد نظر در قبال تکلیف یا تکالیفی تشریح و تقنین شده یا حقوقی است که در ازاء آن وظیفه خاصی وجود ندارد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت همان‌طور که در کلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمده است که «حقی برای کسی نیست، مگر آنکه بر عهده‌اش هم حقی هست و به عهده کسی حقی نیست، مگر آنکه برای او و به نفع او هم حقی هست» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷). قطعاً حق در قبال تکلیف است و انسان‌ها به‌طور عام و جوانان به‌طور خاص در ازاء هر حقی که دارند، مکلف به تکلیفی هستند. در این کتاب نیز اگرچه با عنوان «حقوق جوانان در جمهوری اسلامی ایران» به رشته تحریر درآمده و موضوع آن بررسی حقوق است و نه تکالیف، سعی شده است متناسب با محورها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به تکالیف اشاره شود، هرچند اگر تحقیقی و نوشتاری منحصرراً در باب تکالیف جوانان یا با موضوع مقارن حقوق و تکالیف به نگارش درآید، وظایف بیشتر و متنوع‌تری را در برخواهد گرفت که البته پرداختن به آن از وظیفه و رسالت این نوشتار خارج است.

دلیل این سؤال و این موضوع آن است که پرداختن به یکی از دو بعد مطلب و غفلت از دیگری باعث ایجاد آثار و نتایج نامطلوبی خواهد شد. اصرار صرف بر تکالیف و عدم توجه به حقوق موجب خواهد شد که افراد احساس کنند به نوعی بردگی دچار شده‌اند و دائماً مجبور به انجام وظایفی هستند که در قبال آن و متناسب با آن، صاحب

حق و امتیازی نمی‌شوند و انگیزه خود را جهت ادامه حرکت و انجام تکلیف از دست می‌دهند. از سوی دیگر در صورتی که فقط بر حقوق افراد تأکید شود و از تکالیف آن‌ها صرف‌نظر شود، نتیجه کار چیزی جز ایجاد روحیه طلبکاری و در نتیجه نارضایتی نخواهد بود؛ زیرا اگر فردی دائماً خود را محق بداند، مستمراً از همگان توقعاتی دارد که او را در موضع طلبکاری قرار خواهد داد و در عین حال طبیعتاً در هر زمان و هر مکان به حق و مطالبه مورد نظرش دست نمی‌یابد و لذا احساس می‌کند به او ظلم شده و تبدیل به موجودی ناراضی می‌گردد که این امر تأثیر مستقیمی در کنش و واکنش‌های او در قبال دیگران خواهد داشت.

حال اگر فردی که در معرض این سوء تفاهم قرار گرفته است جوان باشد، نتایج به مراتب نگران‌کننده‌تر خواهد بود. وقتی یک جوان در دوره‌ای که شخصیتش در حال نضج و شکل‌گیری است، به صورت مستمر خودش را محق و غیرمکلف بداند و از همگان توقعاتی غیرمتعارف داشته باشد و این توقعات برآورده نشود، در درجه اول جوان اقدام به ارتکاب رفتارهایی می‌نماید تا ناکامی ناشی از عدم تحقق توقعاتش را جبران نماید، که البته به جایی نخواهد رسید. وقتی تلاش جوان به نتیجه نرسید، احساس قطعی جوان عبارت خواهد بود از احساس مظلومیت و اینکه افراد، نظامات، نهادها و ... به او ظلم کرده و می‌کنند و آنچه حق اوست، به وی تعلق نمی‌گیرد.

این احساس مانعی جدی در مسیر تعامل سازنده جوان با دیگران و حتی خانواده و اطرافیان او از جمله دوستانش خواهد بود. در این حالت تمام امتیازات و امکاناتی که از سوی افراد و ارکان مختلف جامعه به جوان ارائه می‌گردد، تنها بخشی از حقوق مسلم او تلقی می‌گردد و در نتیجه هیچ‌گاه احساس رضایت و خوشبختی نمی‌نماید، تا متقابلاً در مقام شکرگزاری و جبران آن در قبال جامعه برآید. شکل‌گیری شخصیت در چنین روندی، فرجامی نخواهد داشت جز تبدیل شدن جوان به موجودی طلبکار، ناراضی و ناامید که جامعه نمی‌تواند از توانمندی و خلاقیت جوانی او استفاده نماید و در ادامه مسیر زندگی نیز همین حس تشدید شده و فرد از هم‌نوایی اجتماعی کامل و واقعی محروم می‌گردد. علت تأکید بر این موضوع در نظام حقوقی کشورمان ناظر به اهمیت، کم‌توجهی و تشتت نسبت بدان در این مسئله است. البته در این مباحث ناگزیر از پرداختن به مسائل بین‌المللی هم هستیم که به میزان نیاز سعی شده است بدان پرداخته شود.

با این مقدمه سؤال بعدی این است که اصولاً حقوق جوانان چیست؟ در پاسخ باید گفت حقوق جوانان ناظر بر مجموعه‌ای از رویکردهاست که به دنبال شناسایی و ارتقاء امتیازات و جایگاه جوانان می‌باشد و با موانعی همچون عدم اعتماد به جوانان، ترجیح یک‌جانبه بزرگسالان بر جوانان و تبعیض نسلی مقابله می‌کند.

به‌طور کلی حقوق جوانان در دو سطح ملی و بین‌المللی مطرح است. شناسایی و احقاق این حقوق در بسترهای تاریخی جوامع متفاوت جلوه نموده است. اما طرق اثبات آن یا در قالب تلاش‌ها و فشارهای متقاضیان مردمی بوده است و یا به نحو اعطایی از جانب حاکمیت‌ها و یا نهادهای بین‌المللی صورت گرفته است که درون جوامع به‌صورت تصویب اسناد لازم‌الاجراء و یا تبعیت از اسناد فراملی جلوه نموده است.

جمهوری اسلامی ایران هم در برهه تاریخی فعلی با جمعیتی بالغ بر ۸۰ میلیون نفر پرجمعیت‌ترین کشور منطقه خلیج فارس و بیست و یکمین کشور پرجمعیت جهان محسوب می‌گردد و حدود یک سوم از جمعیت ایران از نظر سنی در بازه بین ۱۴ تا ۲۹ سال (ایام جوانی) می‌باشند (<http://b2n.ir/amar.org>) که دلالت بر جوان بودن جمعیت معتابهی از کشورمان دارد و ضرورت اهتمام به مسائل این قشر را بسیار افزایش می‌دهد.

بی‌شک مسئله حقوق جوانان پیوندی جدی با وظایف دولت‌ها دارد و این ارتباط در خصوص دولت‌های اسلامی که به‌عنوان مجری احکام دینی به حکمرانی می‌پردازد جلوه بیشتری دارد. یکی از غایت‌های این دولت‌ها شکوفا نمودن استعدادهای شهروندان در مسیر صحیح آن است و بیش از هر قشری جوانان هستند که نیازمند هدایت در شکوفایی‌اند. در این باره در لسان مبارک معصومین (علیهم‌السلام) هم به وظایف حاکم و دولت اشاراتی شده است. به‌طور نمونه در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه حضرت سه وظیفه خیرخواهی نسبت به مردم، امانت‌داری در حفظ بیت‌المال و آموزش و تربیت را بر عهده حکومت می‌دانند و در مقابل تبعیت از ضوابط حکومت، نصیحت حاکم و مشارکت در امور مربوطه را بر عهده مردم قرار می‌دهند که می‌توان این موارد را از اصلی‌ترین حقوق مرتبط با جوانان نیز برشمرد.

حال با این وصف لازم به ذکر است که توجه به جوانان به‌عنوان قشر فعال و پویای جامعه علاوه بر حقوق مشترک با سایر آحاد مردم، به مناسبت ویژگی‌های منحصر به‌فرد و متعدد ایشان است که متلازم با حقوق و تکالیفی است و عدم توجه به

آن یا عدم تحقق آن منجر به ایجاد چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای در جامعه می‌گردد که در جامعه اسلامی و ایرانی با عنایت به وجود و جریان آموزه‌های دینی ضرورت این توجه دوچندان است. البته پرداختن و تأکید به حقوق هیچ منافاتی با ضرورت تحقق تکالیف ناظر به آن ندارد اما آنچه این نوشتار به دنبال آن است، بحث از حقوق جوانان می‌باشد که البته با توجه به گستردگی کمی و کیفی موضوع در بسیاری موارد تنها به اشاره یا توضیح مختصری از موضوعات اکتفا خواهد شد.

در مورد سابقه این بحث باید به این مطلب اشاره نمود که دو همایش مرتبط با موضوع این نوشتار در سال‌های اخیر برگزار شده است. همایش اول با عنوان همایش ملی حقوق عمومی، دولت و جوانان در سال ۱۳۸۶ با مشارکت دانشگاه امام صادق (ع)، سازمان ملی جوانان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، مؤسسه مطالعات حقوق عمومی، نیروی انتظامی تهران، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران در دانشگاه امام صادق (ع) برگزار شده و مجموعه مقالات آن توسط دانشگاه امام صادق (ع) چاپ گردید. همایش دوم با عنوان همایش بین‌المللی حقوق جوانان در جامعه اسلامی در سال ۱۳۸۹ با مشارکت جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سازمان ملی جوانان، مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای دانشگاه امام صادق (ع) و مؤسسه عالی آموزش، مؤسسه حقوق عمومی دانشگاه تهران و مؤسسه پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی به همت کانون اندیشه‌آفرینان جوان در دانشگاه تهران برگزار شد و مجموعه مقالات آن با همکاری سازمان ملی جوانان به چاپ رسید. در این دو همایش مقالات متنوع و ارزشمندی ناظر به ابعاد مختلف حقوق جوانان نگارش و ارائه شده است که به علت کمبود منابع در حوزه حقوق جوانان، در این کتاب از مجموعه مقالات استفاده‌های متعددی شده است اما در عین حال سعی شده که مطالب مرتبط با عناوین کتاب از میان مقالات با ذکر ارجاعات کامل استخراج و استفاده گردد که ضروری است از نگارندگان تمام مقالات پیش‌گفته قدردانی نماییم.

در توضیح سامان این نوشتار باید اشاره نمود که در بخش مقدماتی با عنوان مبانی حقوق جوانان و نهادهای دخیل در تحقق آن ابتدا به مفهوم‌شناسی و تقسیمات دوره جوانی، پس از آن به مبانی حقوق جوانان و بسترهای رابطه جوان در اسلام و نهایتاً

برخی قوانین مرتبط با حقوق جوانان در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. بخش اول تحت عنوان حقوق مدنی و سیاسی جوانان مشتمل بر دو فصل است که در فصل اول تعاریف و اصول مرتبط با حقوق مدنی و سیاسی جوانان مورد بررسی قرار گرفته و در فصل دوم موضوع تبلور حقوق مدنی و سیاسی جوانان محل تدقیق قرار گرفته است.

بخش دوم با عنوان حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوانان نیز شامل دو فصل است که اولین آن‌ها از احکام و نهادهای ناظر به حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوانان بحث می‌کند و فصل دوم ناظر به حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوانان می‌باشد و نهایتاً موضوع در پایان کتاب جمع‌بندی می‌گردد. فرضیه مجموع این نوشتار مبتنی بر این ایده است که حقوق و تکالیف مختص جوانان در متون دینی، قوانین و اسناد الزام‌آور داخلی و بین‌المللی موجود می‌باشد و حتی از مواردی هم که مخاطبینی مشترک دارد این دسته از متون قابل اصطیاد است اما احصاء نشده است. بنابراین شناسایی و مطالعه آن نافع است. همچنین به‌طور مجموع، متمرکز و به هم پیوسته گردآوری و تحلیل در این موضوع صورت نگرفته است که خلأ آن محسوس می‌باشد.

در پایان از کلیه بزرگوارانی که در مراحل مختلف آماده‌سازی این اثر جهت چاپ متحمل زحماتی گردیدند، صمیمانه تشکر می‌نمایم و ذکر این نکته را لازم می‌دانیم که این اثر همچون هر اثر دیگری دارای نواقص و اشکالاتی است. بر همین اساس ضمن استدعای خاضعانه از درگاه باری تعالی جهت مفید واقع شدن مندرجات این اثر برای کلیه خوانندگان گرامی، از انتقادات، راهنمایی‌ها و پیشنهادات کلیه اساتید و دانشجویان عزیز که قطعاً موجب برطرف شدن نقاط ضعف و ارتقاء مطالب خواهد شد، مشتاقانه استقبال نموده و پیشاپیش سپاسگزاری می‌نمایم.

و ما توفیقنا الا بالله علیه توکلنا و الیه تنیب

علی غلامی، امیرحسین اصل‌زعی

۱۱ دی ماه ۱۳۹۵ هجری شمسی



## بخش مقدماتی:

### مبانی حقوق جوانان و نهادهای دخیل در تحقق آن

در این بخش پس از مفهوم‌شناسی و تبیین تقسیمات دوره جوانی به مبانی حقوق جوانان در اسناد بین‌المللی و مبانی آن در نگاه اسلامی اشاره شده و سپس به بررسی و نقد تفاوت در مبانی حقوق جوانان در دیدگاه اسلام و غرب پرداخته خواهد شد. در ادامه بسترهای رابطه جوان در اسلام مورد تحلیل قرار گرفته و نهایتاً به برخی قوانین مرتبط با حقوق جوانان در جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌گردد.

#### ۱. مفهوم‌شناسی و تقسیمات دوره جوانی

بر اساس فرموده امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دو چیز است که ارزش آن شناخته نمی‌شود مگر در هنگام نبودنش، جوانی و سلامتی (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۶).

جوانی به‌عنوان پدیده‌ای متشکل از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی فرآیندی است که به تناسب ویژگی‌های قومی، جنسی و طرق مختلف زندگی تفاوت‌هایی را به دنبال دارد (سند ملی جوانان، ۱۳۸۴: ۸۴).

اصولاً دوره جوانی که آمیخته با کم‌آگاهی، بی‌تجربگی و شتاب‌زدگی است و خصلت‌هایی همچون خودشیفتگی، امیدواری و بلندپروازی، جستجوگری، حق‌طلبی و عاطفه‌مندی را به همراه دارد، دوره‌ای منحصر به فرد و بدون بازگشت است و از خطرناک‌ترین برهه‌های زندگی انسان می‌باشد. از این رو در دهه‌های اخیر توجه به این دوره و افراد آن در کشورهای دارای جمعیت معتنا به جوان افزایش یافته است (توکل و عظیمی، ۱۳۸۹: ۳۷۵).

در یک نگاهی کلی می‌توان سه دسته ویژگی‌ها را برای این دوران عنوان کرد:  
**الف)** شکل‌گیری تدریجی هویت: این مرحله که از مهم‌ترین مراحل زندگی افراد محسوب می‌شود و پس از آن افراد با آنچه در این دوره بدست آورده‌اند زندگی خواهند نمود و از یافته‌های خود به آسانی رویگردان نخواهند شد.

**ب)** در اوج بودن سرمایه‌های مادی اعطایی از جانب پروردگار:  
در برهه نوجوانی و جوانی سرمایه‌های مادی و جسمی در حد اعلای خود قرار داشته و قوای لازم برای هر نوع اقدامی را در اختیار دارد که به نسبت سایر دوره‌های حیات قابل قیاس نمی‌باشد.

**ج)** پاک بودن فطرت الهی  
در این برهه روح جوانان صیقل یافته و عاری از آلودگی‌هاست و در نتیجه مستعد برای پرورش و شکوفایی است.

بر مبنای این سه شاخصه است که شخصیتی مطلوب در این سن شناخته می‌شود و به‌عنوان سرمایه‌ای قابل جهت‌دهی و هدایت محسوب می‌گردد. حال اینکه دوران جوانی و اهمیت آن موضوعیت دارد یا اینکه دارای طریقتی است برای نیل به اهداف عالی‌تر نیازمند تدقیق است. غالب افراد بشر در دوران حیات خود در برخورداری از مواهب الهی دارای فراز و فرودهایی هستند و مراحل مختلفی را طی می‌نمایند که متناسب با نحوه برخورد با آن و میزان بهره‌گیری از آن می‌تواند نویدبخش سعادت و یا مقوم شقاوت باشد. در این میان هم جوانی خود به‌عنوان برهه‌ای که هم موضوعیت داشته و توجهاتی را می‌طلبد و هم ترسیم‌کننده آینده است طریقتی انکارناپذیر دارد. لذا عدم نگاه واقع بینانه بدان و یا به‌بخشی افراطی به این برهه، به منزله نابودی بسیاری فرصت‌ها و استعدادهاست (صحرايي، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۶-۱۰۸).

دوران جوانی دارای اقتضائات خاصی است که آشنایی با آن برای خانواده‌ها، جامعه و حتی خود جوانان ضروری است. عنایت به آفات و تهدیدات پیش روی فرد نوبالغ که حقوق و تکالیف عدیده‌ای به یکباره بر وی تحمیل می‌گردد، به علت روحیات حساس و آسیب‌پذیری وی نیازمند تعاملاتی متناسب با این شخصیت است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۱۰).

در مورد جوان و دوران جوانی تعریف واحدی وجود ندارد و حتی از نظر



حقوقی، این دوره سنی به رسمیت شناخته نشده است. دوران طفولیت و بزرگسالی مشخص بوده ولی در این میان، دوره نوجوانی و جوانی ناشناخته و مغفول است. حال با مروری بر اقسام تعاریف به معرفی و تبیین شاخصه‌های این دوره می‌پردازیم.

### ۱-۱. تعاریف مختلف از دوره جوانی

در مورد دوران جوانی و بازه آن، تعاریف متفاوتی وجود دارد که هر یک بر اساس شاخصه‌ها و رویکردهای متفاوتی بدان پرداخته‌اند و حتی تخصصی‌ترین مراجع هم در این میان به تعریف واحدی نرسیده‌اند. حال برای آشنایی با این گونه تعاریف، به اهم آن‌ها اشاره می‌کنیم.

#### ۱-۱-۱. واژه‌شناسی

در کتب لغت فارسی در تبیین واژه جوان این گونه بیان نموده‌اند: هرآنچه که از عمر آن چندان نگذشته باشد، مقابل پیری، شاداب و با طراوت و همچنین در بیان عبارات مترادف آن برنا، شاب، غلام، نوباوه و نورسته را ذکر نموده‌اند (<http://www.vajehyab.com>).

در متون روایی به زبان عربی دو تعبیر در مورد جوان وجود دارد؛ یکی «فتی» از ریشه (فَتَى/ فَتَوًا) به معنای طراوت و شادابی و دیگری «شاب» از ریشه (شَبَبَ) به معنی شکوفایی و برخورداری از حرارت می‌باشد. در زبان فارسی هم این واژه قرابت معنایی زیادی با طراوت و شروع تازه حیات دارد (همچون جوانه زدن در نباتات) (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۱۵).

همچنین دو تعبیر مستعمل در منابع اسلامی در این خصوص عبارتند از مُراهِق و غلام. توضیح اینکه مُراهِق به فردی اطلاق می‌گردد که یا به سن احتلام رسیده است و یا در آستانه آن می‌باشد و غلام هم شخصی است که نوجوانی و احتلام را سپری نموده است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴).<sup>۱</sup>

---

۱. فخرالدین طریحی، صاحب کتاب مجمع البحرین در مورد دوران جوانی چنین می‌نویسد که منظور از آن، دوران قبل از پیری و میان‌سالی است و جوانی را به شخص ۳۳ ساله تعبیر نموده‌اند. همچنین علامه مجلسی می‌فرماید: «وقتی ریش نوجوان کامل شد، به او شاب و جوان می‌گویند و جوانی تا چهل سالگی ادامه دارد و به بعد از چهل سالگی، میان سالی اطلاق می‌شود». در این باره چند روایت نیز وجود دارد که بیانگر این مطلب است که محدوده جوانی بعد از دوران نوجوانی آغاز می‌شود و تا چهل سالگی ادامه می‌یابد البته شایان ذکر است که

## ۲-۱-۱. اهمیت دوران جوانی در لسان معصومین (علیهم‌السلام)

در لسان معصومین (علیهم‌السلام) دوران جوانی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است چرا که اغلب جوانان در طول تاریخ یاری‌رسان دین خدا و پیرو ولایت و رهبری بوده‌اند و قشر ارزشمندی محسوب می‌شوند. به عبارتی جوانان جامعه کلید نیکی‌ها و قفل بدی‌ها می‌باشند. رسول اکرم (ﷺ) درباره ارزش این دوران می‌فرماید: «پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت بشمار: جوانی و نشاط را پیش از آنکه پیر و فرسوده گردی؛ سلامتی را پیش از اینکه بیمار و ناتوان شوی؛ بی‌نیازی و دارایی را پیش از آنکه فقیر شوی؛ فراغت و راحتی را قبل از آنکه گرفتاری‌های دنیا تو را مشغول سازد و زندگانی دنیا را پیش از آنکه آن را وداع کنی و به سرای آخرت بروی.»

در حدیث دیگری از ایشان جوانی به‌عنوان بخشی از زندگی به‌طور مستقل مورد توجه قرار گرفته که این مطلب بیانگر اهمیت این دوران می‌باشد. ایشان در مورد پرسش ویژه از دوره جوانی در روز واپسین می‌فرمایند: «روز قیامت هیچ بنده‌ای گام بر ندارد تا درباره چهار چیز از او سؤال کنند: از زندگانی و عمرش که در چه راهی آن را به پایان رسانده؛ از جوانی‌اش که در چه مسیری پشت سر گذارده؛ از اموالش که از کجا به‌دست آورده (از حلال بوده یا حرام) و در چه راهی صرف نموده، و درباره دوستی و محبت اهل بیت ما خاندان رسالت» (فراهانی، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۳۹).

در فرمایشی حضرت علی (علیه‌السلام) درباره نشاط و فرصت این دوران هشدار می‌دهند که مبادا به بطالت سپری شود و پشیمانی و افسوس باقی بماند. ایشان در مورد گذر عمر چنین می‌گویند که: «این افراد در ایام سلامتی بدن سرمایه‌ای آماده نکردند و در ایام جوانی درس عبرتی نگرفتند. آیا کسی که در جوانی اهل تن‌پروری بوده و تلاشی نکرده، می‌تواند در پیری جز شکستگی و ذلت انتظاری داشته باشد؟ (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۲).

از مجموع این فرمایشات این‌گونه برمی‌آید که ایام جوانی فرصتی است گذرا که بهره‌گیری معنوی و بالندگی علمی و اخلاقی از غنیمت‌های ضروری آن است و سپری نمودن ایام در غیر این مسیرها به منزله غفلت و غرر و زائل نمودن ایام محسوب می‌گردد.

### ۳-۱-۱. مفهوم جوانی از منظر نظریه پردازان سنتی و معاصر

با وجود قدمت پرداختن به مسئله جوانان در علم جامعه‌شناسی، توجه به دوران جوانی از بعد اجتماعی پدیده‌ای نوظهور می‌باشد. به‌طور کلی دو دیدگاه در میان نظریه‌پردازان در خصوص مفهوم جوانی وجود دارد. دیدگاه سنتی که به جوانی به مثابه مرحله‌ای از زندگی زیستی توجه دارد و دیدگاه معاصر که عوامل رفتاری و روانی را هم علاوه بر جنبه زیستی دخیل می‌داند.

قدمت تقسیم‌بندی دوران زندگی از دوران یونان باستان نشأت می‌گیرد. در این باره ارسطو در کتاب فن خطابه دوران زندگی را به دوران جوانی، مردسنی (میان‌سالی) و کهن‌سالی تقسیم می‌کند و به بازه ۱۸ تا ۲۰ سالگی دوران جوانی می‌گوید. در سده‌های میانی عصر باستان و عصر جدید نیز، همانند دوران باستان نگاه به دوره‌ای از زندگی به‌عنوان جوانی وجود داشته است. در پی فرآیند ظهور جامعه شهروندی، اهمیت آموزش و پرورش افراد در دوران کودکی و جوانی منجر به اجباری شدن تحصیلات ابتدایی در سده‌های ۱۸ و ۱۹ شد که این مسئله به‌عنوان شاخصه دوران گذر به عصر جدید محسوب می‌شود که بر دیدگاه اقبال جامعه درباره دوران جوانی و کودکی تأثیر گذاشته است (شفرز، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۲).

همان‌گونه که اشاره شد در برداشت سنتی، جوانی مقوله‌ای زیستی محسوب می‌شود. شاخصه‌های مقیاس در این دیدگاه خصوصیات فیزیولوژیکی از قبیل سن و برخی ویژگی‌های رفتاری و روانی است (ربانی و شاهنوشی، ۱۳۸۰: ۱۱۴). در این راستا برخی اندیشمندان دیدگاه سنتی، ظهور جوانی را در نمایان شدن تغییرات هورمونی و فیزیکی جسمی می‌دانند (Colman and Hendry, 1990: 27).

در دیدگاه اندیشمندان معاصر الگویی از جوانی ارائه می‌شود که آن را در پرتو عوامل زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی بازتعریف می‌نماید (Wallace and Kovatcheva, 1988: 28)؛ برخی از تعاریف این‌گونه بیان می‌دارند:

- جوانی مربوط به محدوده سنی ۱۵ تا ۲۵ سال است که با دید جامعه‌شناسانه به دلیل همراهی با شیوه‌های رفتاری و نگرشی خاص دارای اهمیت است.
- جوانی دوره‌ای متشکل از عناصر زیست‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی است که فرد در مرحله کسب کنش‌های متناسب در عرصه‌های مختلف است.

- مفهوم جوانی در میان فرهنگ‌های ملل، مفهومی ایده‌آل و ارزشی است و به طراوت و تازگی اشاره دارد (شفرز، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۴).

گیدنز جامعه‌شناس برجسته زندگی انسان را به سه بخش کودکی، نوجوانی و بزرگسالی تقسیم می‌کند و بر این باور است که مفهوم نوجوانی دارای ویژگی‌هایی است که با گسترش حقوق کودکان و فرآیند آموزش رسمی مرتبط است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

برخی ذیل دیدگاه نظریه‌پردازان معاصر به مفهوم جوانی، دیدگاه اجتماعی آن را گذار از جایگاه و نقش خانوادگی با ویژگی‌های عاطفه‌پذیری، غیردقیق بودن، خاص‌گرایی و جهت‌گیری‌های متأثر از جمع به نقش‌پذیری بزرگسالی با شاخصه‌های بی‌طرفی عاطفی، دقیق بودن، عام‌گرایی و جهت‌گیری فردی می‌داند. این دیدگاه که به‌عنوان نظریه کارکردگرایی شناخته شده است در تحلیل‌های خود جوانی را به منزله نقطه عطف تنش میان محیط خانواده و محیط کار می‌داند (O. Donnel, 1985: 38, 39).

در همین زمینه رویکردی دیگر جوانی را به‌عنوان خرده فرهنگ می‌داند و نظریه‌پردازانی همچون آوس اوبل، کلمن، آیزنشتات، ماخ ویرت، ریسمن، روزنمایر و تنبروک قائل به این مسئله هستند. کوهن در کتاب تضاد خرده‌فرهنگی و اجتماع طبقه کارگر، در تأیید این مدعا پیدایش خرده‌فرهنگ‌ها در انگلیس پیش از جنگ را مطرح می‌کند و بر این باور است که این ظهور در نتیجه اضمحلال جامعه همگن طبقاتی سنتی بوده که در پی آن جوانان (طبقه کارگر) در سالیان بعد از جنگ با گسترش مصرف‌گرایی برای ایجاد پایگاهی میان خود، حفظ هویت و سبک اقتدار سنتی که از شهرنشینی و صنعتی‌شدن و فرهنگ مصرفی آسیب دیده بود، اقدام به احیای چنین خرده‌فرهنگی نمودند (توکل و عظیمی، ۱۳۸۹: ۳۷۹).

از این‌رو خرده‌فرهنگ بنیان شده توسط جوانان در سه بعد شیوه پوشش (لباس)، شیوه سخن گفتن (زبان) و شیوه متمایز شدن (جذابیت فیزیکی) نمایان می‌شود و به هر میزانی که از دوره گذار جوانی فاصله گرفته شود، تبعیت از این شیوه‌ها کمتر می‌گردد (والاس و کواچوا، ۱۳۸۰: ۲۰).

سواى از تعاریف سنتی و مدرن از مفهوم جوانی و عناصر تشکیل‌دهنده در هر یک از دیدگاه‌ها، در دوران پست‌مدرنیسم از جوانی سیال یا امتدادیافته سخن به میان می‌آید که ملاک‌هایی نو را در محاسبات خود قرار می‌دهد. این ملاک‌ها چیزی جز ارزش‌ها و

سبک‌های رفتاری منعطف جوانان در جوامع پیشرفته نیست که جوانی را به‌گونه‌ای نگرش ترسیم می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۳۳).

دانشمندان علوم تربیتی و روان‌شناسان به طرح نظریات گوناگونی درباره «جوانی» پرداخته‌اند؛ به اعتقاد روان‌شناسان جوانی دورانی آمیخته با بحران، آشفتگی درونی و درگیری میان «محرک‌ها» و «پاسخ‌ها» است که نگرانی، اندوه، سرگشتگی، خشم و واژه‌هایی از این سنخ مبین این دوران است. جامعه‌شناسان نیز جوانی را دورانی بحران‌زا می‌دانند که بر رفتار و پیوندهای دوجانبه تأثیر دارد (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۷).

جوانی یک مفهوم کاملاً نسبی است. اگرچه اکثر افراد بشر در صورت استمرار حیات طبیعتاً دوران کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و پیری را طی می‌کنند، اما مدت هر یک از دوره‌ها در اجتماعات گوناگون و در ادوار زمانی متفاوت فرق می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۰۲).

به‌طور کلی روان‌شناسان جوانی را از ۱۸ تا ۲۵ سالگی می‌دانند و آن هنگامی است که رشد عقلانی و جسمانی به حد کمال می‌رسد (دانش، ۱۳۶۹: ۱۰۶).

در نهایت با توجه به تعاریف اندیشمندان سنتی و مدرن از مفهوم جوانی که هر یک عناصری را در تعریف و تحدید این دوره به‌کار گرفته‌اند، این گونه می‌توان بیان کرد که اولاً مفهوم جوانی واجد ابعاد مختلفی است؛ ثانیاً تعاریف جداگانه هر یک از دو گروه مذکور، به تنهایی جامع نبوده و بخش‌هایی را مغفول می‌گذارد و دیدگاه مدرن هم که به عناصری انتزاعی اشاره دارد، از واقعیت‌هایی چشم‌پوشی نموده است. از این‌رو در تعریف دقیق این مفهوم به نظر می‌رسد ابتدائاً باید عوامل فیزیولوژیکی را دخیل دانست و سپس آن را در کنار نظریات جامعه‌شناسی و عوامل انتزاعی تکمیل نمود.

### ۳-۱-۱. دیدگاه‌های دینی در تبیین مفهوم جوان

#### ۳-۱-۱-۱. محوریت سن

از بارزترین شاخصه‌ها جهت تعیین محدوده و بازه جوانی ملاک سن می‌باشد که خود گویای خصائص و اقتضائات این دوران می‌باشد. طبیعتاً این بازه سنی با اختلاف‌نظرها و تفاوت‌هایی در مصادیق مواجه خواهد بود، اما آنچه بدیهی است قرار گرفتن آن در دوره توانمندی، شکوه، طراوت، خامی، کم‌تجربگی و ... در ابعاد جسمی و شخصیتی است. از این‌رو برخی بین ۱۲ تا ۲۵ سالگی (خدایاری‌فرد، ۱۳۷۱: ۱۱) و عده‌ای نیز تا ۲۹ سالگی

را در طبقه جوان جای داده‌اند. در خصوص آغاز این دوره هم تفاوت نظر وجود دارد اما اجمالاً می‌توان سنین ۱۶ تا ۱۸ سالگی را در نظر گرفت (شرفی، ۱۳۸۵: ۱۳).

### ۲-۳-۱. محوریت شاخص‌ها و معیارها

در ضابطه لزوم وجود شاخص‌ها و معیارهایی خاص برای اطلاق عنوان جوان به افراد، ملاک سنی تا حدود بسیار زیادی رنگ می‌بازد و معیارهایی دیگر اعم از جسمی و شخصیتی تعیین‌کننده می‌گردد. از جمله این ویژگی‌ها و معیارها می‌توان به شکل‌گیری هویت، قوت بدن، پاکی روح، ضمیری بسیار پذیرا و مستعد، تنش‌های روانی شدید، گرایش به دین و معنویت، سرشار بودن از نیروی جسمی، علم و دانش اندک، حساسیت و زودرنجی، زیباخواهی و زیباجویی، استقلال‌خواهی و مشارکت‌جویی، نرم‌دلی و انعطاف‌پذیری، آرزومندی، نیروی محرک جامعه، تضمین آینده کشور و نظام، نقش‌آفرینی مهم در مشارکت سیاسی و ... اشاره کرد (افتخاری و حسینی، ۱۳۸۹: ۱۸۶). در این خصوص استاد شهید مرتضی مطهری (علیه السلام) می‌فرمایند: «مقصود از نسل جوان، اختصاص به طبقه سنی جوانان و افراد مشمول بازه سنی خاص نمی‌باشد بلکه به هر فرد و طبقه‌ای که به واسطه تحصیل و بهره‌گیری از تمدن رشد شخصیتی نموده باشند، اطلاق می‌شود. بنابراین ممکن است افرادی از نظر سنی در دسته جوانان قرار نگیرند، اما به لحاظ تفکر و شخصیت جزء این دسته محسوب شوند» (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۲۵).

همچنین در لسان برخی روایات از تعبیری استفاده شده است که بیانگر عدم موضوعیت صرف شاخصه سنی است؛ به‌طور مثال روایتی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که می‌فرمایند: «إذا شاب العاقل شیب عقله»؛ خردمند چون پیر شد عقلش جوان می‌گردد (الآمدی، ۱۳۶۰: ۵۶). همین‌طور در روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است و وجود محدوده سنی معین برای اطلاق عنوان جوان به دوره‌ای مشخص از سن آدمی را نفی می‌کند و در تأیید آن به اصحاب کهف اشاره می‌نماید که با وجود میان‌سالگی جملگی ایشان، آن‌ها را جزء طبقه و قشر جوان محسوب کرده‌اند<sup>۱</sup> (ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۱۷) هرچند

۱. «به نقل از سلیمان بن جعفر نهدی؛ امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند: ای سلیمان! جوانمرد کیست؟ گفتم جانم فدایت! جوانمرد نزد همان جوان است. به من فرمود: مگر نمی‌دانی که اصحاب کهف همگی میان‌سال بودند، اما خداوند به سبب ایمانشان آنان را فتنه (جوانان) نامید؟ ای سلیمان! هرکه به خدا ایمان آورد و تقوا پیشه کند، جوان است» (ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۱۷).

همگی آنان در دوره میان‌سالی بوده‌اند.

با توجه به دو ملاک پیش‌گفته در دیدگاه اسلامی ملاک‌های جوانی ذکر گردید، اما در آیات مختلف قرآن کریم با مصادیق دیگری مواجه می‌شویم که از افراد و اشخاصی به‌عنوان الگو یاد شده است. همچنین در برخی آیات به معرفی نسل جوان نمونه پرداخته است.<sup>۱</sup> لازم به ذکر است ممکن است در خصوص افرادی که به‌عنوان نمونه‌های جوان ایده‌آل و به عبارتی جوانمرد نام برده شده‌اند، از جهات سنی تناسب دقیقی با دوران جوانی نداشته باشند. مواردی چون بت‌شکنی حضرت ابراهیم (علیه السلام)، از خودگذشتگی و ایثار حضرت اسماعیل (علیه السلام)، پارسایی و صداقت حضرت یوسف (علیه السلام)، امانت‌داری و حکمت حضرت موسی (علیه السلام)، پاکی و عفت حضرت مریم (علیه السلام)، ابراز بندگی حضرت عیسی (علیه السلام)، ایمان و پایداری اصحاب کهف و ... از این رو ملاک‌هایی همچون دلاوری، از خودگذشتگی، امانت‌داری، بندگی و ایمان از جمله صفاتی است که در هندسه اسلامی به‌عنوان جوانمردی ظهور می‌یابد.

از آیه‌ای که به معرفی نسل جوان الگو می‌پردازد، معیارهایی به‌دست می‌آید که می‌توان این موارد را نام برد؛ شاکر بودن و سپاس‌گزاری در قبال نعمت‌های الهی، استمداد از پروردگار، بذل توجه به نسل‌های آتی، روحیه توبه و استغفار، تسلیم حق بودن و پذیرش احکام الهی (افتخاری و حسینی، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

#### ۴-۱-۱. تعاریف دوران جوانی از منظر سازمان‌های داخلی و بین‌المللی

##### ۴-۱-۱-۱. سازمان‌های داخلی

طبق آخرین دسته‌بندی اعلام شده از سوی سازمان ملی وقت جوانان، جوانان در جمهوری اسلامی ایران، گروه سنی ۱۴ تا ۲۹ سال را در بر می‌گیرند (سند ملی جوانان، ۱۳۸۴: ۲).

---

۱. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ اَشُدَّهُ وَبَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبِطُّ الْيُكُوفُ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ نَنْتَقِبُهُمْ عَنْهُمْ إِحْسَنًا مَا عَمِلُوا وَتَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ.» (آیات ۱۸-۱۵ سوره مبارکه احقاف).

## ۲-۴-۱. سازمان‌های بین‌المللی

در مطالعه‌ای که سازمان ملل متحد تحت عنوان «وضعیت جهانی جوانان» انجام داده است، جوانی را این‌طور تعریف می‌نماید: «جوانی مرحله‌ای انتقالی از علایق و آسیب‌پذیری‌های دوران کودکی به حقوق و وظایف بزرگسالی است. جوانی مرحله وظایف، مسئولیت‌ها و مشکلات جدید است و نوجوانی معمولاً به‌عنوان دوره‌ای موقت شناخته می‌شود که طی آن جامعه فرد را به‌عنوان کودک محسوب نمی‌کند، اما در عین حال به او موقعیت قانونی کامل یک بزرگسال را نیز اعطاء نمی‌کند. بر اساس تقسیم‌بندی‌های آماری دبیرخانه ملل متحد، جوانان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار می‌گیرند» (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۱۹).

در سال ۱۹۶۰ در کنگره «دفاع اجتماعی» در پاریس در خصوص بازه جوانی و سنین آن تعاریفی ارائه شده است. در این کنگره تقسیم‌بندی بر مبنای سال‌های زندگی انسان به این شرح ارائه گردیده است که مورد تأیید بسیاری از جرم‌شناسان نیز می‌باشد؛ نخستین مرحله یعنی دوران کودکی که از تشکیل نطفه تا سن ۱۲ سالگی ادامه دارد، مرحله دوم، دوران جوانی و بزرگسالی است که از ۳۵ تا ۵۰ سالگی ادامه دارد و مظهر کمال زندگی می‌باشد. مرحله چهارم، پایان ۵۵ سالگی را تشکیل می‌دهد که مصادف با آغاز دوران پیری است (علوم، ۱۳۴۸: ۲۵).

لازم به ذکر است که بازه جوانی در بین ملل و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است اما مفهومی نزدیک به هم را به دنبال دارد. سنین جوانی در برخی کشورهای جهان به این شرح است: آفریقای جنوبی ۱۴ تا ۳۵، استرالیا ۱۵ تا ۲۵، چین ۱۴ تا ۲۸، مالزی ۱۵ تا ۴۰، اتریش ۱۵ تا ۲۵، تایلند ۱ تا ۳۵ و نیز در تقسیم‌بندی آماری دبیرخانه ملل متحد ۱۵ تا ۲۴ سال به‌عنوان سنین جوانی شناخته شده است (نبی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

## ۲-۱. برخی ویژگی‌های دوران جوانی

دوره جوانی یکی از دوره‌های حساس زندگی است که دارای صفات و ویژگی‌های خاص است که در این قسمت به تبیین برخی از این ویژگی‌ها از منظر آموزه‌های دینی به اختصار می‌پردازیم.



### ۱-۲-۱. پرخاشگری و آشوب درونی

جوانی دورانی است که فرد در بسیاری از مواقع می‌خواهد با خشم و پرخاشگری مشکلات خویش را حل کند و معمولاً تحمل نصیحت دیگران را ندارد و در برخورد با موانع سریعاً از کوره به در می‌رود و اغلب طاقت بیان و حل مسائل و مشکلات را به‌طور منطقی ندارد و بعضاً جوانان تا حدی پیش می‌روند که مرتکب جنایت می‌گردند. امام علی (علیه السلام) در فرمایشی مستی جوانی را همانند مستی مال، قدرت، علم و تمجید از عوامل زوال عقل و آرامش انسان می‌دانند (بحارالانوار، ج ۲۱: ۲۱۱).

اگرچه دوران جوانی دوران آشوب درونی و نوعی بی‌سروسامانی است اما بدان معنی نیست که نتوان خشم و تنش را کنترل کرد بلکه جوان تحت تأثیر تربیت اسلامی نه‌تنها می‌تواند از این رذایل جلوگیری کند بلکه می‌تواند انرژی خود را در جهتی سازنده و کارآمد صرف کند.

### ۱-۲-۲. امید و آرزو

امید و شور و نشاط اقتضای دوران جوانی است، چرا که جوانان در این دوران با تخیلات و تفکرات خویش در مورد آینده به احساس روحی خوبی دست می‌یابند که همین عامل آنان را آرمان‌گرا و آینده‌نگر می‌سازد که این مهم تا حد زیادی در رشد و ایجاد انگیزه در آنان برای تلاش در جهت کار و فعالیت به منظور دستیابی به اهدافشان تأثیر دارد.

در هندسه تعالیم دینی هم به این نکته توجه شده و در این راستا به روایتی از پیامبر اکرم اشاره می‌کنیم. «آرزو برای امت من رحمت است؛ اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت» (به نقل از کوچتکف، بی تا: ۱۷۵).

لیکن ذکر این نکته ضروری است که در آموزه‌های دینی به شدت از مشغول بودن به آرزوهای دور و دراز و خیالات واهی نهی شده تا جایی که چنین ویژگی از خصوصیات افراد نادان برشمرده می‌شود.

حضرت علی در این باره می‌فرماید: «کسی که به آرزوهای بلند دل بندد، رفتار و عمل خود را ضایع ساخته است» (بحارالانوار، ج ۷۴: ۱۷۳). ایشان در جایی دیگر عاقبت آرزوهای طولانی را غفلت از آخرت می‌دانند.